



منزلتک



صحنه مستطیلی نسبتاً خالی است.

(موسیقی) صدلی چرخ دار \* کهنه‌های گوشه‌ی سمت چپ صحنه، عقب، زیر نور ضعیف موضعی تنهاست. کنارش چمدان کهنه‌تری و مقابل آن، در انتهای صحنه سمت چپ، یک سطل قدیمی چاه با طنابی ضخیم ولی پوسیده از سقف آویزان است. روی صدلی چرخ دار ملافهای سفید کشیده شده است که زیر آن به سختی می‌شود اندام کسی را تشخیص داد. نفس می‌کشد یا نمی‌کشد، شاه است او. رو بروی صدلی چرخ دار و سطل جلوی صحنه، در دو نقطه‌ی متقارن، چند ظرف قدیمی و شمعی تا نصفه سوخته است. اشک شمع روی زمین گرد شمع، تا فاصله‌ای راه به جایی نبرده و نزدیکی‌های شمع‌دان ماسیده.

تماشاگر که مستقر شد، نور روی چمدان \* می‌افتد، دستی از حفره‌ی چمدان بیرون می‌آید، قفل چمدان کهنه را باز می‌کند و تلخک خودش را از تووی چمدان کهنه بیرون می‌کشد.

حکایت دلچسپ  
تصویر نمازین چرخ دستی:

چرخ دستی نمازگزاران بشری است... بخشی از نیروی کیهانی است که در خدمت انسان قرار گرفته است، اما در ضمن تمام مسئولیت‌های فردی که ممکن است با اشتیاق کم یا زیاد آن را به جلو براند و وسایل مختلف بر آن بار کند و یا آن را در جهت غلطی به حرکت درآورد به عهده می‌گیرد. سواد آن در دستان و دهن بستگی به داننده همان ساکن است چرخ دستی به این نظر چرخ دستی را با آنکه در این است. تصویر چرخ دستی نمازگزاران چندان افساد شده مانند چرخ دستی سرگ یا گازی سرکه فروش که در این چرخ دستی‌ها نقش ابزار سرنوازی را بازی می‌کنند و ممکن است داننده مشرف به موت برآمده یا آمه تا کنجی پنجم را قفل مکان کند.  
فرهنگ نمازها

حکایت چمدان:

همای مخصوص نمازگزاران در مسافرت است در مراحل علم به صندوق چرمی بزرگ یا کوچکی اطلاق شود که هنگام سفر نمازها را در آن نهند.  
فرهنگ لغات دهقدا